

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالگیریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت
www.m-hekmat.com

سردبیر: منصور فرزاد - عبدالگیریان Iskraa_nkk@yahoo.com ۲۲ مهر ۱۳۸۸، ۱۴ اکتبر ۲۰۰۹ چهارشنبه ها منتشر میشود

ایسکرا

۴۸۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

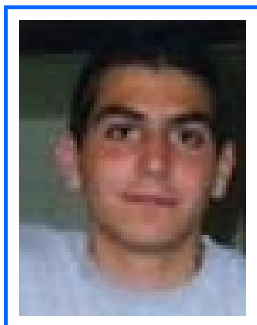


کانال جدید به هات برد بازگشت

صفحه ۴

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه مردم و نهادها دعوت میکند به موجی از اعتراضات بین المللی علیه اعدام دامن بزنند!

امنیت را در جامعه برقرار میکنند. این جنایت فقط و فقط برای نشان دادن چنگ و دندان حکومتی جنایتکار در مقابل مردم و جوانان معترض به این سیستم جنایت اسلامی است. بهنود را کشتند تا نشان دهند به هیچ اعتراضی جهانی و داخلی، به هیچ گریه و بغض خشمگین مادران داغدار و به هیچ عکس



بهنود قربانی جنایتکارانی شد که به هیچ کس رحم نمیکند. این سند جنایت حکومت است و این نمونه بارز جنایت علیه بشریت است. قتل يك نوجوان در روز روشن و با خونسردی کامل. این جنایت را در همه جا با صدای بلند محکوم کنید!

بهنود شجاعی را با چنین سبعیت کشتند، با توجه اینکه

صفحه ۲

کنگره هفتم حزب کنگره ای منحصر بفرد

آینده انسانی عزم خود را برای پیروزی آن جزم کرده است. این انقلاب شکافهای جناحها را بیشتر و عمیقتر کرد. آنها را به جان هم انداخته است. دستان خون آلود سران حکومت اسلامی و ماشین آدم کشی آن را چه در داخل و چه در خارج از ایران عیان تر ساخت و در مقابل چشم جهانیان قرار داده است. مردم قدرت اتحاد و همبستگی خود را تجربه کردند و همانند يك گلوله توپ محکم، موثر و کار ساز همچنان در تدارک سازمان دادن و متحدتر کردن خود برای نبردهای بعدی تا پیروزی گام بر می دارند. حرکت انقلابی مردم سبب شد آن فضای رعب و وحشت شکسته شود و این اتفاق افتاد.



عبدالگیریان

کنگره هفتم حزب در حالی برگزار می شود که انقلابی در جامعه ایران در جریان است. انقلابی که تحولات بسیار عظیم و شگرفی را تا کنون بوجود آورده است. جامعه خفقان زده ایران توسط انقلاب مردم در خیابانها زبان گشوده است. علاوه بر موج سرکوب، اعدام تجاوز و زندان، اما با جسارت و امید به يك

صفحه ۲

مراسم روز جهانی کودک در سنندج و تهران برگزار شد

صفحه ۳



پاسخی به ابراهیم نبوی

دانشجویی بلژیک گزارشی انتقادی از سخنان و ادعاهای نبوی منتشر کردند. آقای نبوی در جواب این دوستان به حزب کمونیست کارگری حمله کرده و فرهنگ اسلامی خودش را به نمایش گذاشته است.



محمد آسگران

من به عنوان یکی از اعضای حزب کمونیست کارگری ایران شخصا دوستان کمیته دانشجویی بلژیک را از نزدیک نمیشناسیم. اما

اخیرا در جریان سفر احمدی نژاد به سازمان ملل اعتراضاتی در خارج کشور شکل گرفت و نبوی یکی از سخنرانان در تجمع بلژیک در مقابل پارلمان اروپا بود. در این رابطه دوستانی تحت عنوان کمیته

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پاسخی به ...

از صفحه ۱

حرفها و نقدهای آنها در مورد نبوی و نقدشان در این گزارش را محق و درست میدانم. از آن حمایت میکنم و به آقای نبوی اطمینان خاطر میدهم که کمونیستها و آزادیخواهان هر جا باشند نمیتوانند در مقابل ادعاهای ناحق و اتهامات بی مورد سکوت کنند. گزارش دوستان کمیته دانشجویی بلژیک هم یکی از این اقدامات شایسته است.

اما آقای نبوی با فرهنگ و ادبیات خاص خودش کمونیستها را به باد حمله گرفته و حزب کمونیست کارگری را حزبی کوچک با حامیانی ۵ درصدی در جامعه ایران معرفی کرده و درد دل‌های خود و آقای رضا برهنی را که نفرت از آنها میبارد، در مورد نقش حزب کمونیست کارگری باز کرده است. من نماینده آقای برهنی چه گفته است ولی میدانم آقای نبوی کی هست و چی نوشته است. بنابراین در این نوشته تلاش میکنم در همین چهار چوب جوابم را خلاصه کنم.

موضوع بحث روشن است: دفاع نبوی از موسوی و خود را رهبر مردم ایران قلمداد کردن و بررسی تاریخ گذشته حکومت اسلامی و مسئولین آن از جمله آقای نبوی و شرکا. واضح است که حزب کمونیست کارگری برای سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی و برقراری حکومت انسانی و برابر تلاش میکند. واضح است که نقد ما به موسوی و نبوی و مخملباف و سازگارا و گنجی و ... امر تازه ای نیست. نبوی هم از نوشته اش پیداست که اینرا به خوبی میداند. آنچه در این بحث مورد مناقشه است بررسی تاریخ کشتارهای جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ است.

آقای نبوی با استالین و پولپوت و... مقایسه کرده است که شاید مفری برای فرار به جلو پیدا کند. در واقع نبوی چون پاسخی در مورد کارنامه غیر قابل دفاعش و حتی موضع ارتجاعی امروزش ندارد، چون حرف و نقدی که سر و تهی داشته باشد علیه مخالفینش ندارد، سراغ حزب کمونیست کارگری آمده است تا بتواند به فاضلاب گندیده و آماده جنگ سردی و ضد کمونیستی دست ببرد. او نمیتواند از کارنامه شخص خویش دفاع کند، میخواهد که حزب کمونیست کارگری را به کیفر کارنامه جنایتهای استالین و پولپوت و امثالهم محاکمه کند.

اولا اگر تاریخ جامعه طبقاتی یک استالین را به خودش دیده است دهها و صدها شاه و خمینی و هیتلر و سوهارتو و پینوشه... را هم قبلا و هم بعدا و در حال حاضر داشته است. که همه آنها و از جمله همان استالین و امثالهم هم در چارچوب همان نظامی قرار میگیرند که نبوی از آن فاع میکند و ما علیه آن بوده ایم و هستیم. دوما ما از همان ابتدای شکل گیری این حزب و حتی قبل از آن منتقد سرسخت استالین و شوروی بوده ایم و بحث کرده ایم و نقد کرده ایم و اینها سند است. اما هم جناحی ها و دوستان "چپ" آقای نبوی یعنی توده ای ها و اکثریتیهها مدافعین سر سخت استالین و شوروی بوده اند. بنابراین اگر استالینیستی در تاریخ سیاست ایران بوده باشد از طیف دوستان فعلی و قبلی آقای نبوی بوده اند نه ما که هیچوقت جامعه شوروی را آمال خود قرار نداده ایم و هرکس ذره ای شرف داشته باشد تفاوت عمیق و همه جانبه ما را با نظامی که به اسم کمونیسم در شوروی حاکم بود میداند. سوما آقای نبوی! گرد و خاک بپا کردن کمی نمیکنند. بحث در مورد جمهوری اسلامی است. بحث در مورد کارنامه شما بود. کارنامه حکومتی که همین الان هم دارید با دفاع از موسوی از آن دفاع میکنید. بحث در مورد یک تاریخ خاص و نقش افراد معینی در این تاریخ در دهه ۶۰ در جمهوری

اسلامی است. با بافتن آسمان و ریسمان به هم اجازه نمیدهیم آن تاریخ را در پرده ابهام نگهدارید. با گذشت تاریخ هم جای شاک و متهم و مجرم و قربانی عوض نمی شود. آقای نبوی در نوشته آخر خود در جواب دوستان کمیته دانشجویی بلژیک تلاش کرده است این جایجایی را با زیرکی انجام دهد. جمهوری اسلامی را تبرئه کند و حزب کمونیست کارگری را متهم کند! نماینده در فرهنگ آقای نبوی به این کار چه میگوید!

دنیای غربی است. روزی آنها مسلسل به دست دنبال ما در خیابانها بودند و به اسم مفسد فی الارض و محارب با خدا و کمونیست و دسته دسته تیرباران میکردند. و امثال آقای نبوی در پیشگاه خمینی جلا د بزرگ تاریخ و رهبر فاشیستهای اسلامی زانو زده و به فرامین او گوش میدادند و "عمل" میکردند و حالا همین قمه کشان دیروز سنگ حقوق بشر و دمکراسی را به سینه میزنند و آزادیخواهان را مورد تهمت قرار میدهند!

حامیان رژیمی که جزو یکی از مخوف ترین دستگاههای سرکوب و جنایت تاریخ بوده است، امروز دستهای خونینشان را شسته و خود معرفی میکنند اما اینقدر این جایجایی قلابی و سطحی است که هنوز هم با همان فرهنگ، با همان نفرت، با همان نوع استدلال به جنگ مخالفین میروند. کافی است در جلسه ای مانند بلژیک یکی یقه شان را بگیرد تا فوراً به همان نبودی های دوره شصت و شصت و هفت تبدیل شوند و لباس عاریه ای را از تن بیرون کنند. ظاهراً همیشه حق به جانب اینها بوده است، هم دورانی که قمه کشی میکردند و هم دورانی که از یک بخش این ماشین جنایت و از یک جناح رژیم در مقابل جناح دیگر دفاع میکنند. اما اپوزیسیونی که از روز اول ماهیت این گنداب اسلامی را میشناخت علیه آن ایستاد و صدها و هزاران نفر از این اپوزیسیون تیرباران شده و به دست جلاان حکومتی که دوستان اصلاح طلب فعلی هم جزو آنها بودند به قتل رسیدند باز هم از نظر اینها محکوم

صفحه ۳

کنگره هفتم حزب کنگره ای ...

از صفحه ۱

اکنون ضد انقلاب اسلامی است که به وحشت افتاده است. مردم همدیگر را پیدا کرده اند. اینها از دستاوردهای انقلاب در ماههای اخیر است. حرکت این انقلاب بطور عینی در جامعه تغییرات اساسی ایجاد کرده است. جامعه ایران با کیفر خواست عظیمی بلند شده است و می رود تا بساط این حکومت را جارو کند.

این انقلاب همچون یک پدیده دینامیک دانا در حال پویندگی است و هر روز با حرکتی رو به جلو راه و مسیر خود را باز می کند. تا همینجا این انقلاب در خیابانها خیلی چیزها را به حکومت اسلامی تحمیل کرده است. تغییر و تحولاتی کیفی که تا قبل از آن، سالها طول می کشید که یک صدم آن را به حکومت تحمیل کرد. در خارج از ایران نیز عمیقترین همبستگی جهانی را ایجاد کرده است. محاسبات و

این انقلاب همچون یک پدیده دینامیک دانا در حال پویندگی است و هر روز با حرکتی رو به جلو راه و مسیر خود را باز می کند. تا همینجا این انقلاب در خیابانها خیلی چیزها را به حکومت اسلامی تحمیل کرده است. تغییر و تحولاتی کیفی که تا قبل از آن، سالها طول می کشید که یک صدم آن را به حکومت تحمیل کرد. در خارج از ایران نیز عمیقترین همبستگی جهانی را ایجاد کرده است. محاسبات و

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه مردم ...

از صفحه ۱



العمل نهادهای مدافع حقوق انسان واقعی نمی نهند. اینها جنایتکارند و حکومت اشان از زیر بنا با جنایت ساخته شده و با جنایت و کشتار جوانانی چون ندا و دلارا و بهنود، نفس میکشند و می چایند. بهنودی که او را بارها به سلول انفرادی برده و منتظر مرگ نگه داشتند. بهنود در آخرین مصاحبه اش گفت، دیگر تحمل سلول انفرادی و انتظار کشیدن برای مرگ را ندارد. آیا میتوان تصور کرد در این دنیا جوان ۱۸ ساله ای را چنین بیرحمانه بارها تا پای اعدام ببرند و جان دادن و رعشه های مرگ بیش از ۱۳ نفر را به چشم ببینند و سپس خودش را چنین وحشیانه بکشند. بها خیزید و در همه جا بهر طریق ممکن به این جنایت و به

حکومت جنایت اسلامی اعتراض کنید. تنها راه مقابله با این جنایات، اعتراضی جهانی و مستحکم و متحدانه است. نگذاریم ماشین جنایت اسلامی بیش از این قربانی بگیرد. متحدانه علیه اعدام و علیه حکومت اسلامی به میدان بیاوید.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۳ اکتبر ۲۰۰۹

مراسم روز جهانی کودک در سنج و تهران برگزار شد



همکاری تشکلهای دیگر برگزار می شد، ممانعت بعمل آورده بودند. مراسم با حضور جمعی از مردم شهر سنج و در میان خانواده ها برگزار گردید، که با توجه به محدودیتهای اعمال شده، همچنان مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت. شعار محوری مراسم امسال، لغو فوری مجازات اعدام برای کودکان بود.

به مناسبت روز جهانی کودک، جمعی از اعضای کانون دنیای شاد برای کودکان، بنا به سنت هر ساله، در پارک کودک سنج گرد هم آمدند، و این روز را جشن گرفتند. امسال در حالی روز جهانی کودک توسط اعضای کانون جشن گرفته شد، که با محدودیتهای شدید، مقامات از برگزاری مراسمی که هر سال در این روز توسط این کانون و با

رضایت نمیدهیم و ایشان حداکثر مغضوب درگاه حکومت شده و همراه با سایر مغضوبین با زعامت موسوی برای جمهوری اسلامی دوره خمینی شمشیر میزند. جای خوشحالی است که این حکومت کارش به جایی رسیده است که بخش زیادی از همکاران دیروزش دارند از آن جدا میشوند و به آن انتقاداتی هرچند آبی میزنند اما کسی که ذره ای صداقت و شرافت داشته باشد لاف نقش دیروز خود را برسمیت میشناسد و از قربانیان معذرت میخواهد. نبوی و گنجی و سازگارا و مخملباف و ... روزی در این دستگاه مخوف ضد انسانی نقشه میریختند و جنایت میکردند. مشغول جاده سازی و یا گل کاشتن در خیابانها نبوده اند. این حکومت فاشیست و انسانکش بر دوش اینها سلحشوران! این حکومت بودند و ما هم نفرشان از حزب کمونیست کارگری را بخوبی درک میکنیم!

ما جناحهای مختلف این حکومت را خوب میشناسیم فرهنگ پرورده سازی آنها هم قدمتی سی ساله دارد. بویژه در دهه گذشته اصلاح طلبان ما را به همراهی با جناح خامنه ای و امثال کیهان شریعتمداری ما را به همراهی با دو خردادی ها متهم کرده اند. آقای نبوی هم نفر آخر این صف مهجور و بی فرهنگ اسلامی است که ما را با وزارت اطلاعات مقایسه میکنند. دریدگی و بی منطقی اینها در هر دو جناح مشابه است. وقتی احمدی نژاد هولوکاست را انکار میکند جوابش این نیست که مدارک نشان بدهیم که هولوکاست اتفاق افتاده است. جواب این است که فرهنگ لپنهای اسلامی را بیشتر به مردم معرفی کنیم.

اما از بدشانسی این جماعت مردم این حکومت را نمی خواهند. اصلاحش را نمیخواهند هیچ جناحش را نمیخواهند. مردم دارند انقلاب میکنند که کل حکومت اسلامی را برای همیشه جارو کنند. و با سرنگونی حکومت اسلامی بساط مداحی اینها از این جناح و آن جناح هم به پایان میرسد. نفرت امثال آقای نبوی از ما همینجا مایه میگردد.

اما علت اصلی عصبانیت نبوی و شرکا از ما مربوط به گذشته نیست. مربوط به حال است. هنوز هم ما میخواهیم این حکومت را بیندازیم و ایشان میخواهد نگهدارد. هنوز هم در دو جبهه هستیم. ما به کمتر از سرنگونی کل این حکومت

پاسخی به ...

از صفحه ۲

است! این دنیای مالیخولیایی را چه کسی میتواند تحلیل و درک کند؟

اینها هنوز هم همان طرفی هستند که بوده اند اما به حکم روزگار مغضوب واقع شده اند. این به خودی خود ایرادی ندارد اما وقاحت زیادی میخواهد که همین قماش آقایان دستها را شسته و مدعی شوند که از روز اول در صف اپوزیسیون و آنهم در صف اول آن بوده اند!

آقای نبوی در جواب به سوال دوستان کمیته دانشجویی بلژیک در مورد جنایات حکومت اسلامی در دهه شصت و تیربارانهای دسته جمعی و نقش شخص شخیص ایشان بعنوان یکی از مسئولین این رژیم در آن دوره از حیات این حکومت حمله به کمونیستها را شروع میکند و بطور مشخص به حزب کمونیست کارگری حمله میکند. ایشان در این خیال باطل است که میتواند با مترادف قرار دادن پولپوت با حزب ما و سوار شدن بر تبلیغات جنگ سردی علیه کمونیستها و با اشاره به جنایات استالین برای حکومت اسلامی و یا برخی مقامات و دار و دسته های آن آبرو خرید. ایشان قبلا هم در نوشته هایی در مورد سال شصت فرموده بودند که در آنزمان جنگ بین دو گروه بوده و گروه برتر این مسابقه را برده است! انگار مسابقه کشتی بوده است و ایشان هم داور آن مسابقه! ایشان هنوز هم که هنوز است و در اروپا زندگی میکند، اشاره به زندان رفتن اش در دوره حکومت اسلامی میکند و خود را قربانی دوستان نادانش می انگارد و قتل کودکان ۱۳ ساله در دهه شصت و اعدامهای بیشمار در آن سالها را جنگ و خشونت دو طرفه قلمداد میکند. به زعم آقای نبوی قاتل و مقتول به یک اندازه مجرمند.

اما سوال امروز مردم اینست که شما و آقای مخملباف و سازگارا و گنجی و ... در یک سیستم و حکومت نقش بازی کرده اید و دوره ای جزو مقامات و مسئولین حکومتی بوده اید و در این دوران هزاران نفر شکنجه، کشته و اعدام

بهرتر، برای برانداختن جنایت و اعدام و سنگسار، محو نابرابری و ستم و تحقیر، هر چه حکومتهای موجود و بویژه تروریستهای اسلامی بخواهند با نشان دادن جنایات استالین فضای ضد کمونیستی ایجاد کرده و مقابل مردم بایستند، باز مردم از مطالباتشان دست نمیکشند. ایده ها و آرمانهای حزب کمونیست کارگری و ضدیت و مقابله این حزب با حکومت و با همه جناحهای آن و با مذهب و زن ستیزی و ... امروز در خیابانهای ایران فریاد زده میشود. طی سالیان سال مبارزه تک مردم تک تک زنان با این دستگاه جنایت و حماقت، مبارزه میلیونها نفر طی سال و مبارزه نظری و عملی یک حزب آوانگارد پیشر و رادیکال و چپ همگی دست به دست هم داده است که جامعه به این مرحله رسیده است. این انقلاب چپ است و وحشت امثال شما از این است.

علیه حکومت اعدام به میدان بیاید! جمهوری اسلامی بنهود شجاعی را گشت!



این رژیم چیز دیگری نیست. اعدام بهنود درست يك روز بعد از روز جهانی علیه اعدام و دو روز بعد از روز جهانی کودک، همچون همیشه در ضديت با هر آنچه که بوئی از انسانیت را دارد، از جانب این حکومت در حال سقوط و در انظار جهانیان به نمایش گذاشته شد. اعدامهای اخیر توسط حکومت اعدام، حکومت تجاوز و شکنجه، فقط برای ایجاد فضایی است تا اندکی مردم انقلابی و سرنگونی طلب را به عقب نشینی وادار کند. اما مردم همانطور که تا کنون نشان

داده اند، نه با اعدام کودکان، نه با سنگسار و نه با زندان، تجاوز و شکنجه، مرعوب نخواهند شد و از پای نخواهند نشست و با انقلاب خود بساط سه دهه آدمکشی و خون ریزی این رژیم عصر حجری را که از این انقلاب به وحشت افتاده است جارو خواهند کرد. حکم رفتن حکومت اسلامی را مدتهاست مردم انقلابی در کوچه و خیابان، دانشگاه و کارخانه داده اند. جنایات چند ماه گذشته در خیابانها و زندانها علیه مردم پیا خوسته و انقلابی توسط حکومت اسلامی و اخیرا نیز موج گسترده خطر اعدامها و اعدام بهنود شجاعی توسط حکومت اسلامی، تلاشی برای ادامه چند روز بیشتره عمر سراپا ننگین حکومت اسلامی است. اعدام بهنود شجاعی اما عمیقترین نفرت و انزجار علیه حکومت اسلامی را دامن زد و عزم راسخ مردم انقلابی را برای پایان دادن به جهنمی که این رژیم فراهم کرده جزم تر خواهد کرد.

۱۱ اکتبر ۲۰۰۹

اعدام بهنود و عمیقترین نفرت و انزجار علیه حکومت اسلامی

عبدل گلپریان

روز تلخی بود، تلخ تر از همیشه. بهنود را همه می شناختند همانند دلارا، همانند کودکان و نوجوانان زیادی که عکس و سرگذشت زندگی تلخشان در رسانه های خبری منعکس شده بود. بارها و بارها فیلم لحظات زندگی بهنود پخش شده بود. با دیدن آن لحظات آرزو می کردی آنچنان قدرتی باشی که او و

صدها کودک و نوجوان اسیردر این سیاه چال قرون وسطائی را نجات دهی. اما این قدرت عظیم برای نجات جان کودکان و نوجوانان، برای نجات میلیونها انسان در ایران چیزی نیست جز انقلاب مردم برای سرنگونی يك رژیم پوسیده و ضد بشری. این قدرت هم اکنون به جریان افتاده است. اگر بهنودی اعدام می شود، اگر طنابهای دار مهیا و به رخ مردم کشیده می شوند برای این است که مانع این انقلاب شوند. اما این توحش و عمق ضد بشری حکومت اسلامی با طناب و تجاوز نخواهد توانست مانع از ادامه حرکت آن شود.

در حالی که صف وسیعی در ایران و جهان با اعتراضات خود در چند روز گذشته حکم اعدام بهنود شجاعی را محکوم کردند، در حالیکه مردم از ساعات اولیه با مصاد یکشنبه در مقابل زندان اوین تجمع و به اجرای این حکم شوم اعتراض کردند و در حالیکه چشمها در انتظار لغو این حکم ضد بشری بود، حکومت قتل و جنایت اسلامی

سحرگاه امروز یکشنبه یازده اکتبر، درست يك روز بعد از روز جهانی علیه اعدام، جمهوری اسلامی بهنود شجاعی را اعدام کرد. صف وسیعی در ایران و جهان برای متوقف کردن اعدام بهنود که در نوجوانی به اتهام قتل بازداشت شده بود به حرکت درآمده بود. بهنود بارها با اعدام روبرو شد و بارها حکم او با تلاشهای بسیار به تعویق افتاد. سرانجام این حکم وحشیانه صبح امروز در حالی به اجرا درآمد که

صدها نفر از مردم تهران، مادران جانبازگان اخیر و خانواده بهنود شجاعی در جلو زندان اوین اجتماع کرده بودند تا مانع اجرای این حکم شوند. این جنایت جمهوری اسلامی باید با موج وسیعی از اعتراض و نفرت مردم ایران و جهان جواب بگیرد. باید حربه کثیف و ضد بشری اعدام را از دست جمهوری اسلامی بیرون آورد. رژیم خونخوار اسلامی در هفته اخیر در وحشت

از تداوم انقلاب مردم ایران موجی از اعدام و سنگسار راه انداخته و از جمله سه نفر از تظاهر کنندگان اعتراضات اخیر را به جرم عضویت در سازمان مجاهدین خلق و انجمن پادشاهی به اعدام محکوم کرده است. باید قاطعانه مقابل این تلاش های جنایتکارانه ایستاد. دور دیگری از تظاهرات های توده ای را باید همه جا در مقابل جمهوری اسلامی و اعدام سازمان داد.

حزب کمونیست کارگری ضمن همدردی عمیق با خانواده بهنود شجاعی و همه کسانی که داغدار قتل بهنود هستند، با تمام قوا علیه اعدام این قتل عمد دولتی و علیه احکام اخیر جمهوری اسلامی مبارزه میکند. حزب همه مردم را در خارج و در داخل ایران فرا میخواند تا علیه اعدام و علیه احکام اخیر جمهوری اسلامی به میدان بیایند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ اکتبر ۲۰۰۹، ۱۹ مهر ۱۳۸۸

www.newchannel.tv

تلفن های تماس:
۰۰۱۵۰۵۳۳۴۱۷۴
۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

Hot Bird 8
13 degrees East
Transponder Number:
14
Frequency: 11470 MHz
Polarity: Vertical
Symbol Rate: 27500
FEC: 5 / 6

مشخصات کامل کانال جدید
به این شرح است:

هات برد ۸
۱۳ درجه شرقی
ترانسپوندر ۱۴
فرکانس ۱۱۴۷۰ مگاهرتز
عمومی
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۵/۶

ما برای بازگشت به هاتبرد بالاخره به سرانجام رسید و از امروز بیستم مهرماه مجددا شروع به کار کرد.

خبر بازگشت کانال جدید را باید فوراً به همه اطلاع داد و تردیدی نداریم که علاقمندان بیشمار کانال جدید این خبر را با شور و شغف بسیار به سرعت در سراسر کشور پخش خواهند کرد و این واقعه را بعنوان يك نقطه قدرت مهم خود در مبارزه علیه حکومت نکبت اسلامی جشن خواهند گرفت.

کانال جدید
۲۰ مهرماه ۱۳۸۸، ۱۲ اکتبر ۲۰۰۹

کانال جدید به هات برد بازگشت



رسانه محبوب و بسیار توده ای تبدیل شده بود، بدلیل فشار پارازیت جمهوری اسلامی، از طرف کمپانی هاتبرد قطع شد و بدین ترتیب پس از دو سال پخش برنامه از هاتبرد میلیونها بیننده از دیدن برنامه های خود محروم شدند. تلاش بی وقفه

کانال جدید پس از دو ماه و نیم توقف از امروز پخش برنامه های خود را روی فرکانس ۱۱۴۷۰ در هات برد ۸ آغاز کرد.

کانال جدید روز ۵ مرداد (۲۷ ژوئیه ۲۰۰۹) درست در اوج فعالیت خود و در حالیکه به يك

مرگ بر جمهوری اسلامی،
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

درباره کنگره سوم حزب گفتگو با انترناسیونال هفتگی



منصور حکمت

سوال: از نکته ای شروع کنیم که تازگی دارد و توجه زیادی را به خود جلب کرده است، یعنی علنی بودن کنگره و باز بودن آن بروی عموم. این تصمیم چطور گرفته شد و مبنایش چیست؟

منصور حکمت: این تصمیم آخرین پلنوم کمیته مرکزی بود و بنظر من تصمیم بسیار بجا و درستی است. خیلی ها، مستقل از درجه دوری و نزدیکی شان به حزب ما این اقدام را تائید کرده اند و حتی به حزب تبریک گفته اند. این یک قدم دیگر به جلو در مسیر تبدیل کمونیسم از یک حرکت مکتبی و فرقه ای و شبه مذهبی، به یک حزب سیاسی است. یک حزب سیاسی بزرگ و در دسترس مردم. دور کردن کمونیستها و ایده کمونیسم از بستر اصلی جامعه و زندگی هرروزه مردم، بریدن رابطه حزب با جامعه و طبقه کارگر، یک سیاست آگاهانه دیکتاتوری ها و رسانه های عظیم بورژوازی است و میلیاردها دلار و هزاران شکنجه گاه

و میدان اعدام صرف آن شده و میشود. این انزوا و اختفا حق انتخاب کمونیسم را بعنوان یک آلترناتیو و یک آینده از مردم و طبقه کارگر سلب میکند. نباید به این تسلیم شد. شاید اختفا یا علنیت تاثیر زیادی در کار یک گروه کوچک تبلیغگر یا یک محفل فکری نداشته باشد. اما یک حزب سیاسی، جنبشی که به قدرت سیاسی و ایجاد تغییرات مادی در زندگی نسلی از انسانها فکر میکند، حزبی که میدانند باید بزرگ و قدرتمند باشد، نمیتواند به این سناریوی بورژوازی گردن بگذارد. کنگره یک حزب سیاسی یک پرچم بزرگ است که باید در پیشاپیش جامعه گرفته شود. جالب است که بخشهای زیادی از چپ رادیکال سالیان متصادی این

انزوا و اختفای تحمیلی را داده ها و مشخصات و سنتهای اثباتی جنبش خویش و منبعث از ذات کمونیسم پنداشته اند و حتی تقدیس کرده و نشان انقلابیگری خویش شمرده اند. حزب کمونیست کارگری مدتهاست این سنتهای بدلی را پشت سر گذاشته است. علنیت کنگره یک گام منطقی در جهتی است که ما در این سالها در جهت ایجاد یک جنبش کمونیستی قوی و اجتماعی پیموده ایم. حزب کمونیست کارگری در این چند سال اخیر رشد خیره کننده ای در ایران کرده است. اکنون حزب در ایران وسیعا شناخته شده است و دوستداران بسیار زیادی دارد. حزب کمونیست کارگری از نظر مردم یکی از سه چهار جریان اصلی در صحنه سیاست ایران شمرده میشود. کنگره چنین حزبی دیگر نمیتواند پشت درهای بسته و دور از نگاه مردم و جامعه برگزار شود. این کنگره یک اتفاق عمومی است. به عموم مربوط است و باید در دسترس عموم باشد. گمان میکنم همه نیروهای اپوزیسیون صحت این اقدام ما و وسعتی که اینکار به فضای فعالیت و تنفس اپوزیسیون از هر گرایشی میدهد را درک کرده اند. این کنگره همه را یک گام به جلو میبرد. موازین جدید و پیشرو تری را تعریف میکند

سوال: در همین رابطه مساله لیست مدعوین به کنگره مطرح میشود. این لیست بسیار وسیع است و کمابیش همه احزاب و گروههای عمده اپوزیسیون و اکثر شخصیتهای سیاسی را از راست و چپ در بر میگیرد. این سیاست به چه نیازی پاسخ میدهد؟

منصور حکمت: هدف ما همین شفافیت و علنیت است. این دعوت قرار نیست و نمیتواند هیچ فاصله سیاسی ای میان ما و مدعوین را پر کند. نفس تنوع مدعوین این را از هر توضیحی بی نیاز میکند. ما هیچ فیلتری نگذاشته ایم، هیچ ضابطه ای مبنی بر دوری و نزدیکی مدعوین با حزب را ملاک قرار نداده ایم. تنها شرط این بوده است که

اپوزیسیون باشند. ما از سازمانهای چپ، مجاهدین، طیف اکثریت، ملیون و سلطنت طلبان و نهادها و شخصیتهای مختلف وسیعا دعوت کرده ایم در این کنگره میهمان ما باشند. و براسی از شرکت هرکدام و همگی استقبال میکنیم. کاش همه بخواهند و بتوانند بیایند. اما ایدا فرض نکرده ایم که کنگره ما عملا به چنین محل تجمعی بدل خواهد شد. این دعوت تاکید بر این واقعیت

بنظر من این کنگره باید حزب را متوجه موقعیت ویژه و استثنائی خود کند. کنگره باید محل تولد یک حزب سیاسی به معنی واقعی کلمه باشد. کنگره باید این حزب را متوجه وظایفی بکند که اوضاع سیاسی حاد ایران در مقابلش قرار میدهد.

است که این کنگره در دسترس همه این جریانها و جنبشهاست. اگر بخواهند میتوانند نگاهش کنند، قضاوتش کنند. ما را بهتر بشناسند. سیاست خود را در قبال ما با آگاهی بیشتری تعیین کنند. این کنگره و تجمعات احزاب سیاسی دیگر باید بتواند در ایران بطور امن و باز و علنی و با پوشش رادیو تلویزیونی و رسانه ای برگزار شود.

استبداد و خفقان این حق را از ما و مردم سلب کرده است. در یک شرایط آزاد شاید دعوت چنین لیست وسیعی بدون ملاک سیاسی مورد نداشته باشد. اما در غیاب علنیت و شفافیت سیاسی واقعی در دل جامعه ایران، ما به این احزاب و شخصیت های مدعو بعنوان سمبل ها و جاننشینانی به نیابت توده وسیع مردم، از همه رنگ و فکر و سیاست، نگاه میکنیم که حق دارند این کنگره را زیر ذره بین بگذارند و از این طریق درک مطلقانه تری از حزب ما و جنبش کمونیسم کارگری بدست بیاورند. این گذاشتن خشت های یک فرهنگ سیاسی متفاوت است. ما داریم حق دیگران را در بازرسی و نظارت برخورد برسیمت میشناسیم و متقابلا حق خود میدانیم که با یک

فرهنگ سیاسی باز و شفافیت در جنبشها و احزاب دیگر روبرو باشیم. این، هم درست است و هم به همین دلیل به نفع امر اجتماعی ماست. یک جنبش برابری طلبانه، آزادیخواهانه، انساندوست و رادیکال هرچه بیشتر و از نزدیک تر دیده بشود و بتواند دیده بشود بهتر است. هرچه قلمرو سیاست در جامعه بازتر و شفاف تر باشد، هرچه فرهنگ سیاسی غنی تر باشد، به نفع آزادیخواهی و انساندوستی است. به نفع کمونیسم است.

سوال: ناظرین زیادی ثبت نام کرده اند. آیا شرط و شروطی، برای قبول ناظرین وجود داشته است، مثلا عضویت در حزب یا نزدیکی به حزب؟

منصور حکمت: خیر، هیچ شرطی وجود نداشته است. خیلی از ناظرینی که ثبت نام کرده اند نزدیکی ای با حزب ندارند. ما هیچ سوالی در مورد زندگی و عقاید و پیشینه و تعلق سازمانی علاقمندان نمیکنیم. اسم و کشور خود را به ما میدهند. هزینه ورودیه جلسه و خوابگاه را میپردازند و ثبت نام میکنند. از استقبال وسیعی که از کنگره شده است خیلی خوشحالیم. تعداد زیادی از آمریکا و کانادا و استرالیا و از کشورهای مختلف اروپا با هزینه کفاف دارند به کنگره میایند. عده ای از ایران ابراز تمایل کرده اند که متاسفانه حتی اگر خروج

از ایران برایشان مقدور باشد، ورودشان به "قلعه اروپا" به این سادگی نیست و ما به احتمال قوی از دیدارشان محروم میمانیم.

سوال: آیا هنوز میتوان بعنوان ناظر ثبت نام کرد؟

منصور حکمت: هنوز میشود. اما وقت زیادی باقی نیست. از نظر رسمی شنبه آینده روز آخر است. مشکل ما امکانات خوابگاهی است. تا بحال حدود ۱۳۰ نفر ثبت نام کرده اند. هفته آینده موقعیت را جمع بندی میکنیم و اگر هنوز جایی باقی مانده باشد اطلاع خواهیم داد. فعلا هنوز علاقمندان را تشویق میکنیم ثبت نام کنند. منتهی دیگر باید عجله کنند.

سوال: دستور جلسات کنگره چیست؟

منصور حکمت: دستور جلسات را نهایتا خود اجلاس اول کنگره تعیین خواهد کرد. ما بعنوان کمیته مرکزی حزب دستور پیشنهادی و قطعنامه های خود را در اختیار کنگره میگذاریم. تعدادی قرار و قطعنامه هم تا همینجا از نمایندگان آمده است. کنگره هرکدام را بخواهد در دستور میگذارد. از قبل از کنگره همه اسناد در اختیار همه نمایندگان قرار میگیرد و تعداد زیادی از سخنرانان (کسانی که باید قرارها و

صفحه ۶

کنگره حزب کمونیست کارگری در دسامبر برگزار میشود کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد است

دعوت بعمل خواهد آمد.



کنگره حزب فرصت مناسبی برای آشنائی از نزدیک با حزب و ارگانها و کادرهای حزب در جریان اجلاس عالیترین ارگان حزبی است.

برای ثبت نام و دریافت کارت ورودی و اطلاعات لازم با شماره تلفن و آدرس زیر تماس بگیرید.

ایمیل و تلفن تماس برای اسم نویسی:

k7.wpiran@gmail.com

0046(0)704227196

کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری ایران در نیمه اول دسامبر ۲۰۰۹ به طور علنی برگزار میشود. همه علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره شرکت کنند. تعداد ۲۰۰ نماینده از تشکیلاتهای حزب در کنگره شرکت خواهند کرد. از احزاب و سازمانهای سیاسی و رسانه های خبری نیز برای حضور در کنگره

۵ نفر از کارگران نیشکر هفت تپه به تحمل حبس تعلیقی و تعزیری محکوم شدند

جمهوری اسلامی ایران شش نفر را در یک هفته گذشته در خوزستان اعدام کرد!

پنج فعال سیاسی در هفته گذشته به اعدام محکوم شدند!

آخوند مرتجع و مشتکی جلال و جنایتکار در مقابل مردم بجان آمده ایران دفاع کند. این اعدامها تقلاهای مزبوحانه حکومتی است که می بیند میلیونها نفر مردم ایران، زن و مرد و پیر و جوان، کارگر و دانشجو و معلم و ... همه از آن متزجرند و به خیابان آمده اند و فرمان سرنگونی حکومت اسلامی را داده اند.

ما در این روزهای سخت و در این نبرد عظیم خودمان با حکومت جنایت اسلامی، باید بر علیه اعدام و آدمکشی این جانان بیش از پیش و متحدانه به میدان بیاییم. نباید بگذاریم جوانان بیشتری قربانی این حکومت جنایتکار شوند. در همه جا متحدانه به پا خیزید و علیه اعدامها بهر طریقی که میتوانید اعتراض کنید.

کمیته بین المللی علیه اعدام همگان را به اعتراضات بیشتر علیه اعدامها در ایران فرا میخواند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۳ اکتبر ۲۰۰۹
www.adpi.net

اسامی محمدرضا علیزمانی، حامد روحی نژاد، آرش رحمانی پور، ناصر عبدالحسینی، داوود فریچه میر اردبیلی از سوی حکومت اسلامی بعنوان کسانیکه در تظاهراتهای اخیر دستگیر شده اند، اعلام و این افراد به اتهام وابستگی به سازمانهای اپوزیسیون به اتهام ارتداد و "محاربه با خدا" به اعدام محکوم شده اند.

تعدادی از وکلای این افراد و سازمانهای مدافع حقوق بشر، پرونده این پنج نفر را بررسی کرده و اعلام کرده اند که همه این افراد قبل از تظاهراتهای اخیر دستگیر شده و "جرم" آنها گزارش دادن به رادیوهای اپوزیسیون و یا تلاش برای خروج از ایران و پناهندگی در کشور امن بوده است.

حکومت اسلامی ایران میخواهد از این طریق تعدادی از فعالین سیاسی را اعدام کند و زمینه را برای اعدامهای بیشتر شرکت کنندگان در تظاهراتهای اخیر فراهم سازد.

مردم آزاده، مخالفین اعدام! حکومت اسلامی ایران، میخواهد با خورنریزی و سبعیت بیش از پیش از حیات کثیف خودش و از قدرت و ثروت مشتکی

سه شنبه هفته گذشته، نیمه های شب، دو زن و دو مرد در زندان کارون اهواز اعدام شدند. این اعدامها کاملاً محفیانانه انجام گرفته و نهادهای مدافع حقوق انسانی و از جمله کمیته بین المللی علیه اعدام، از این اعدامها و اینکه این افراد به چه دلیل به اعدام محکوم شده اند، اطلاع نداشت. اخیراً خبرگزاری فارس به نقل از دادگستری استان، از اجرای شش مورد اعدام در خوزستان خبر داد.

کریم-ع، عبدالله-ج، فوزیه - ج و خدیجه -ج در زندان کارون اهواز روز سه شنبه ۱۶ اکتبر اعدام شدند. دو روز بعد یعنی ۱۸ اکتبر دو نفر دیگر به اسامی عدای-ب و سعد-ب در خوزستان اعدام شدند.

این اعدامها در آستانه روز جهانی علیه اعدام بود و یک روز بعد از ۱۰ اکتبر حکومت اسلامی بهنو شجاعی را اعدام کرد.

به این جنایات پیشروانه و سبعانه حکومت اسلامی باید اعتراضی گسترده تر کرد.

اکنون در ایران پنج نفر به اتهام شرکت در تظاهراتهای اخیر به اعدام محکوم شده اند. تا کنون

نیز هنگامیکه نمایندگان آنان را دادگاهی میکردند با مارش با شکوه خود و با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، توانستند دادگاه جمهوری اسلامی را متوقف کنند. اکنون نیز تنها با اعتراضات و تجمعات خود و با جلب حمایت وسیع مردم شهر و منطقه و خانواده های کارگران میتوان جلوی این تعرض را گرفت. باید وسیعاً به این احکام اعتراض کرد. باید خواهان لغو پرونده های تشکیل شده برای کارگران نیشکر هفت تپه و احکام صادر شده برای آنان و آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی دستگیرشدگان اخیر و زندانیان سیاسی از زندان شد. ۵۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه به همراه خانواده ها و با جلب حمایت وسیع کل جامعه، نیروی وسیعی هستند که میتوانند نه تنها جمهوری اسلامی را به عقب نشینی و لغو پرونده های تشکیل شده برای همکارانشان و احکام زندان برای آنان وادار کنند، بلکه خواهند توانست صف مبارزه برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی از زندان و باز کردن درب زندانها را قدرتمند تر سازند.

احکام صادر شده برای کارگران نیشکر هفت تپه باید لغو شود زندانی سیاسی آزاد باید گردد مرگ بر جمهوری اسلامی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ۲۱ مهر ۱۳۸۸ - ۱۳ اکتبر ۲۰۰۹
<http://free-zendaniyasi.blogspot.com/>

freepoliticalprisoners@googlegmail.com

به گزارش ۲۰ مهر ۸۸ ایلنا، رضا رخشان از اعضای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از تشکیل دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی، برای ۵ نفر از کارگران این کارخانه به اسامی علی نجاتی، فریدون نیکوفر، قربان علی پور، جلیل احمدی و محمد حیدری پور خبر میدهد. این کارگران بخاطر مبارزاتشان در سال ۸۶ در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده و دیگر مطالباتشان و بخاطر تلاش برای ایجاد تشکل خود، سندیکای نیشکر هفت تپه به احکام زندان محکوم شده اند. به گفته رضا رخشان هر کدام از این کارگران در مجموع به یکسال حبس تعلیقی و تعزیری محکوم شده اند. بر این اساس برای ۵ نفر اول ۶ ماه حبس تعزیری و ۶ ماه حبس تعلیقی و برای محمد حیدری پور چهار ماه حبس تعزیری و هشت ماه حبس تعلیقی حکم صادر شده است.

بنا به گزارشها روز ۱۸ مهر، کارگران این کارخانه در اعتراض به این احکام دست به تجمعی اعتراضی زدند که مدیریت شرکت به بهانه کمبود نقدیگی، پاسخی به اعتراض کارگران نداد. هم اکنون احکام زندان موضوع اعتراض این کارگران است.

کارگران نیشکر هفت تپه در طول مبارزاتشان، اعتراضات با شکوهی در حمایت از رهبران و نمایندگان خود و در حمایت از تشکلشان داشته اند. دو سال قبل

موضوعات متعدد و مهم دیگری هم هست که امیدواریم کنگره وقت کند مباحثات و مصوباتی در مورد آنها داشته باشد...

سوال: فکر میکنید کنگره چه نقطه عطفی در فعالیت حزب کمونیست کارگری ایران خواهد بود یا باید باشد؟ آیا شاهد تغییرات محسوسی پس از کنگره خواهیم بود؟

منصور حکمت: بنظر من این کنگره باید حزب را متوجه موقعیت ویژه و استثنائی خود کند. کنگره باید محل تولد یک حزب سیاسی به معنی واقعی کلمه باشد. کنگره باید

قطعنامه ها را معرفی کنند و همچنین سخنرانان مخالف هر کدام از اسناد) از پیش معلوم خواهد بود. کنگره دو روز بیشتر وقت ندارد. علاوه بر مباحثات حول قطعنامه ها و قرارها، باید کمیته مرکزی جدید حزب را هم انتخاب کند. حداقل دستور پیشنهادی فعلی ما برای کنگره عبارت است از گزارشات، بررسی اوضاع سیاسی ایران و روندهای آتی، موقعیت طبقه کارگر و جنبش کارگری در متن تحولات سیاسی جاری، موقعیت و وظایف ویژه حزب کمونیست کارگری در اوضاع کنونی، مساله مالی حزب، انتخابات کمیته مرکزی.

درباره کنگره سوم حزب گفتگو با ...

از صفحه ۵

اگر این کنگره، مقطع اعلام موجودیت یک حزب سیاسی باشد که پیروزی خود را ممکن میداند و این شهامت را دارد که این پیروزی را بخواد، آنوقت بنظر من فعالیت حزب کمونیست کارگری پس از کنگره بسرعت دگرگون خواهد شد. در بحثهای "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" در این یکی دوسال تصویری از آنچه بنظر من باید باشیم و بشویم داده ام. از نظر من کنگره سوم میتواند گام بلندی برای تحقق این تصویر بردارد.

انترناسیونال هفتگی شماره ۲۰
۲۵ شهریور ۱۳۷۹ - ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۰

کاری بسیار عظیم میخواهد و تواناییهایی که چه بسا ما فاقد آنیم. اما تاریخا و از نظر عینی غیر ممکن نیست. عروج کمونیسم کارگری در ایران ابتدای قرن بعنوان یک پای واقعی جدال بر سر قدرت سیاسی و سرنوشت کشوری در این ابعاد، بی شباهت به عروج بلشویسم اوائل قرن قبل نیست. و میتواند همانقدر همه چیز را تحت تاثیر قرار بدهد. اگر کنگره ما بتواند این پیام را عمیقاً حالی همه ما، حزب و جنبش ما، بکند که "بازی شروع شده است" و این نبردی بر سر سرنوشت و کیفیت زندگی میلیونها انسان همدره ما و پس از ماست،

این حزب را متوجه وظایفی بکند که اوضاع سیاسی حاد ایران در مقابلش قرار میدهد. یک فرصت تاریخی برای کمونیسم ایران فراهم شده است. یک میدان و فرجه بسیار بسیار کوچک برای عمل. اما عملی تاریخساز و زیر و رو کننده نه فقط در رابطه با ایران بلکه در رابطه با دنیای معاصر. این فرصت را بسادگی میشود از دست داد. اما اگر درست عمل کنیم، اگر جوهر واقعی این اوضاع را درک کنیم، میتوانیم حتی روی سرنوشت قرن بیست و یکم تاثیر بگذاریم. به قدرت رسیدن کمونیسم کارگری در تحولات آتی ایران از پیش منتفی نیست.